

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
PARTIAL AWARD

Case No. 256

Chamber Two

پرونده شماره ۲۵۶

شعبه دو

حکم شماره ۲-۲۵۶-۴۱۲

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحد

DUPLICATE
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

آگوست فردریک بندیکس، جوینر و

هما دیبا بندیکس

خواهانها،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران-ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date	22 FEB 1989
	۱۳۶۷ / ۱۲ / ۲
	تاریخ

حکم جزئی

یک - جریان رسیدگی

۱ - خواهانها، آگوست فردریک بندیکس، جوینر، ("آقای بندیکس") و هما دیبا بندیکس ("خانم بندیکس") در ۲۴ دیماه ۱۳۶۰ [۱۴ ژانویه ۱۹۸۲] دادخواستی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") ثبت و منفردا به ترتیب مبلغ ۸۷،۶۶۰ دلار آمریکا و ۸۲۱،۰۰۰ دلار آمریکا، به عنوان غرامت سلب مالکیت ادعائی از حقوق مالی و همچنین حقوق خود به عنوان سهامدار موسسات تجاری مختلف واقع در ایران، افزون بر بهره، مطالبه کردند. طبق اظهار خواهانها، ادعاهای ایشان طی سال ۱۹۷۹ ایجاد شد.

۲ - خواننده در لایحه دفاعی خود برپایه مبانیی ازجمله مبانی صلاحیتی، به ادعاها ایراد گرفته و استدلال کرده است که آقای بندیکس تابعیت امریکایی ادعائی خود را ثابت نکرده و خانم بندیکس منحصراً "تبعه ایران است".

۳ - پس از صدور رای شماره الف - ۱۸ - ۳۲، مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] هیئت عمومی دیوان در پرونده جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا، (که در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251 نیز به چاپ رسیده، دیوان از خواهانها درخواست کرد که هر مدرک مستند دیگری را که مایلند دیوان مورد بررسی قرار دهد تا تعیین کند که آیا خواهانها تبعه ایالات متحده یا جمهوری اسلامی ایران و یا تبعه هر دو کشورند و در صورتیکه تبعه هر دو کشور باشند، مدارک مربوط به تابعیت غالب و موثر خود را به ثبت رسانند. همینگونه، دیوان به خواننده دستور داد که کلیه مدارک مستندی را که مایل است دیوان درباره موضوع تابعیت خواهانها بررسی کند، به ثبت رساند.

۴ - خواهانها مدارک خود را در ۱۵ آبان ۱۳۶۴ [ششم نوامبر ۱۹۸۵] تسلیم کردند و خواننده در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۷ [نهم مه ۱۹۸۸] مدارک و لایحه توجیهی خود را درباره موضوع تابعیت خواهانها در دیوان به ثبت رساند.

دو - واقعیات مربوط به تابعیت خواهانها

۵ - نخستین خواهان، آگوست فردریک بندیکس، جونیر در نهم بهمن ۱۲۹۹ [۲۹ ژانویه ۱۹۲۱] در ایپسویچ واقع در ایالت ماساچوست امریکا زاده شد و مدارک بلامعارضی وجود دارد، حاکی از اینکه آقای بندیکس در اوایل دهه ۱۹۵۰ به ایران مسافرت کرد و در سال ۱۹۵۴ با خانم بندیکس ازدواج کرد و بلافاصله پس از ازدواج، به ایپسویچ، ماساچوست بازگشت. در اواسط سال ۱۹۵۷ آقای بندیکس حسب ادعا به

عنوان نماینده چند شرکت امریکایی که برای فروش قطعات یدکی امریکایی با کشورهای خاورمیانه قرارداد داشتند، همراه همسرش به بیروت در لبنان نقل مکان کرد و بدلیل بحران سیاسی لبنان در این مدت، نامبردگان در ۱۷ آبان ۱۳۳۷ [هشتم نوامبر ۱۹۵۸] به تهران، ایران نقل مکان کردند. اختلافی در این مورد نیست که آقای بندیکس تا دسامبر ۱۹۷۸ در ایران مستقر بوده است. آقا و خانم بندیکس در دسامبر ۱۹۷۸ ایران را ترک کرده، به لندن، انگلستان رفتند و طبق مدارک تسلیمی، هنوز در آنجا زندگی می کنند. آقای بندیکس گذرنامه امریکایی داشته و هنوز نیز دارد. مدرکی وجود ندارد که نشان دهد نامبرده تابعیت هیچیک از کشورهای مذکور را که در آنها اقامت داشته، و یا تابعیت انگلستان را که محل اقامت کنونی اوست، کسب کرده باشد.

۶ - خانم هما دیبا بندیکس در ۲۷ مهر ۱۲۹۶ [۱۹ اکتبر ۱۹۱۷] از پدر و مادر ایرانی در شهر تهران، ایران زاده شد و در سال ۱۹۱۸ شناسنامه ایرانی شماره ۲۰۶۰ به عنوان مدرک تولد وی در تهران صادر گردید. نامبرده با یک تبعه ایران به نام عطاءالله اتحادیه ازدواج کرد و از آن ازدواج دارای دو فرزند است. در دسامبر ۱۹۵۳ خواهان یاد شده مطلقه گردید و در ماه مه سال بعد در تهران با آقای بندیکس ازدواج کرد.

۷ - اختلافی در این مورد نیست که خانم بندیکس در سال ۱۹۵۴ همراه شوهر خود به ماساچوست رفت و جریان کسب تابعیت امریکایی خود را آغاز کرد. خانم بندیکس ادعا می کند که در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۶ [۲۰ مه ۱۳۵۷] تابعیت ایالات متحده را کسب کرد. اندکی بعد، وی و آقای بندیکس به لبنان و سپس در سال ۱۹۵۸ به تهران منتقل شدند و تا سال ۱۹۷۸ در ایران اقامت داشتند. از آن زمان تا بحال، خانم بندیکس با همسر خود در لندن، انگلستان اقامت گزیده است. از اینکه خانم بندیکس تابعیت ایرانی یا امریکایی خود را ترک یا اقداماتی قانونی در اینمورد کرده باشد

نشانی یافت نمی‌شود، و مدرکی نیز وجود ندارد که نشان دهد نامبرده تابعیت کشوری دیگر را کسب کرده باشد. خانم بندیکس مدارکی ارائه داده است حاکی از اینکه وی در مدت چند سال گذرنامه امریکایی داشته است.

سه - اسباب موجه حکم

۸ - بدیهی است که آقای بندیکس به لحاظ تولد در ایالات متحده، که مستند آن، گواهی رسمی تولد اوست، تبعه ایالات متحده می باشد. مدرکی در دست نیست که نامبرده هیچگاه تابعیت کشوری سوای تابعیت آمریکائی خود را کسب کرده باشد و یا اینکه تابعیت امریکایی خود را به خاطر کسب تابعیت کشور دیگری ترک کرده و یا از دست داده باشد. این واقعیت که نامبرده سالهای متمادی در خارج از ایالات متحده می‌زیسته، دلیل ترک یا تغییر تابعیت وی نیست و دیوان متقاعد گردیده است که نامبرده فقط تبعه ایالات متحده بوده و هست. بنابراین دیوان نتیجه می گیرد که ادعاهای مطروح توسط آقای بندیکس، برطبق تعریف بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعاهای یک تبعه ایالات متحده است.

۹ - درمورد خانم بندیکس، دیوان طبق موازین گوناگونی که هیئت عمومی دیوان در تصمیم پرونده الف - ۱۸ (مذکور در بند ۳ فوق) اتخاذ کرده، باید نخست براساس مدارک تعیین کند که آیا نامبرده در طول زمان ذیربط، یعنی از تاریخ بروز ادعا تا تاریخ بیانیه حل و فصل دعاوی یعنی ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] تبعه ایالات متحده بوده یا تبعه ایران و یا تبعه هر دو کشور، و در صورتیکه تبعه هر دو کشور بوده، تابعیت غالب و موثر وی طی آن مدت کدامیک بوده است.

۱۰ - دیوان ملاحظه می کند که اختلافی در این نیست که خانم بندیکس طبق قوانین ایران به لحاظ تولد از پدر و مادر ایرانی، تابعیت ایران را کسب کرده است. علاوه بر آن،

شناسنامه (شماره ۲۰۶۰) صادره برای نامبرده، موید تابعیت ایرانی اوست. دیوان مدرکی در دست ندارد که نشان دهد نامبرده هیچگاه برای ابطال تابعیت ایرانی خود طبق قوانین تابعیت جاری ایران، اقدامی قانونی کرده باشد. به دلایل پیشگفته، دیوان معتقد است که خانم بندیکس طی مدت مورد نظر، تبعه ایران بوده است.

۱۱- دیوان گواهی کسب تابعیت آمریکائی خانم بندیکس را که حسب ادعا در سال ۱۹۵۷ صادر شده، بررسی نکرده (۱)، ولی تصویر صفحات چندین گذرنامه امریکایی تسلیم شده توسط نامبرده را ملاحظه کرده و از نظر حکم حاضر، می پذیرد که نامبرده همانگونه که ادعا دارد، تابعیت ایالات متحده را کسب کرده و آنرا باقی نگهداشته است.

۱۲- با توجه به ملاحظات بالا، دیوان به تعیین تابعیت غالب و موثر خانم بندیکس می پردازد. برای بررسی این مساله که آیا ادعاهای مطروح توسط خانم بندیکس، برطبق تعریف بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعاهای یک تبعه امریکاست یا خیر، دیوان باید طبق تصمیم هیئت عمومی دیوان در پرونده الف ۱۸ (بند ۳ فوق) تعیین کند که آیا تابعیت غالب و موثر خانم بندیکس در مدت ذیربط، یعنی بین زمانی که ادعای وی حسب اظهار ایجاد شده تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] که تاریخ بیانیه حل و فصل دعاوی است، تابعیت ایالات متحده بوده است یا خیر. برای تعیین این مسئله، دیوان باید کلیه عوامل ذیربط، از جمله محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی اجتماعی و سایر شواهد دل بستگی خانم بندیکس را در نظر گیرد.

(۱) خانم بندیکس پیشنهاد کرد که اصل گواهی (شماره ۷۹۳۴۰۵۹) را توسط نماینده رابط ایالات متحده برای بررسی دیوان، تسلیم کند و اظهار داشت که قوانین ایالات متحده عکسبرداری از اینگونه گواهی ها را ممنوع کرده است. در اوضاع و احوال پرونده حاضر و باتوجه به نتیجه گیریهای مذکور در زیر، دیوان بررسی گواهی را لازم نمی داند.

۱۳ - خانم بندیکس در تأیید ادعای خود مبنی بر اینکه تابعیت غالب و موثر وی تابعیت ایالات متحده است، اظهار می‌دارد که وی از زمان کسب تابعیت امریکایی در سال ۱۹۵۷ تا بحال، گذرنامه امریکایی داشته و دارد. وی همچنین اظهار می‌دارد که براساس تابعیت امریکایی خود، موفق گردیده برای دو فرزند خود از ازدواج سابقش، حق اقامت دایم در ایالات متحده کسب کند و طی دوره ذیربط، او و همسرش مشترکاً اظهارنامه مالیاتی تسلیم کرده‌اند. خانم بندیکس ادعا می‌کند که اقامت متمادی وی در خارج از ایالات متحده، ضرورتاً به لحاظ فعالیتهای بازرگانی شوهرش بوده و اضافه می‌کند که علیرغم دوره های طولانی اقامت در خارج از ایالات متحده، وی هر چند یکبار به ایالات متحده، که دو فرزندش اکنون در آنجا مقیم هستند، سفر کرده است.

۱۴ - دیوان ملاحظه می‌کند که خانم بندیکس فقط مدت نسبتاً کوتاهی، بین سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۵۷ در ایالات متحده اقامت داشته، و پس از کسب تابعیت امریکایی خود، تنها چند بار به قصد دیدار در ایالات متحده حضور یافته است. در حال حاضر، نامبرده ظاهراً در لندن، انگلستان زندگی می‌کند که پس از ترک ایران در سال ۱۹۷۸، وی و شوهرش آنجا را برای اقامت برگزیدند. مدارکی که خواهان درباره عواملی از قبیل محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی اجتماعی و سایر دل بستگی های خود ارائه داده، کافی برای تأیید این نظر نیست که طی مدت ذیربط یعنی بین زمان بروز ادعایی ادعاهای وی در سال ۱۹۷۹ و ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] علایق خانم بندیکس نسبت به ایالات متحده غالب بوده است. بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعاهای نامبرده برطبق تعریف بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعاهای یک تبعه ایالات متحده نیست و در نتیجه، دیوان صلاحیت رسیدگی به این ادعاها را طبق بند ۱ ماده دو بیانیه مذکور ندارد.

چهار - حکم جزئی

۱۵ - به دلایل پیشگفته،

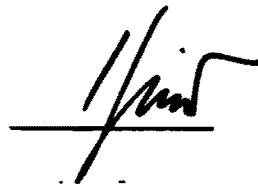
دیوان بشرح زیر مقرر می دارد:

(الف) خواهان، آگوست فردریک بندیکس، جوئیر طی مدت ذیربط، به لسان بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی تبعه ایالات متحده امریکا بوده است.

(ب) بدینوسیله کلیه موضوعات صلاحیتی دیگر مربوط به ادعاهای آگوست فردریک بندیکس، جوئیر به ماهیت پرونده منضم می شوند.

(ج) بدینوسیله ادعاهای مطروح توسط خواهان، هما دیبا بندیکس به لحاظ فقد صلاحیت رد می شوند.

لاهم، به تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷ برابر با ۲۲ فوریه ۱۹۸۹

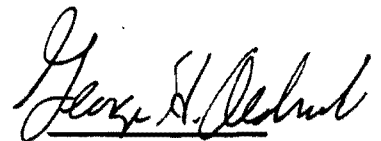


روبرت برینر

رئیس شعبه دو



سیدخلیل خلیلیان



جرج اچ. آلدریج